

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری

زهرا حضرتی صومعه^۱

تاریخ وصول: ۹۶/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۰۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریات اشتاین، ایسترلین، دمونت، دیویس و کالدول می‌باشد. روش این پژوهش، پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است، طرح پژوهش مطالعه مقطعی و با تکنیک «پرسشنامه توام با مصاحبه و مشاهده» که دارای اعتبار صوری و اعتبار سازه ای و اعتماد (آلفای کرونباخ ۰/۸۲) در جامعه آماری زنان ۲۹-۲۰ ساله و ۴۹-۴۰ ساله شاغل در شهر تهران که حجم نمونه با فرمول کوکران محاسبه و ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده به گردآوری اطلاعات اقدام شد. در نهایت در بررسی فرضیه‌های تحقیق نتایج ذیل حاصل شده است: نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی نشان داد که بین منزلت اجتماعی ($P < 0/01$)، عدالت محیطی ($P < 0/05$) و رفاه اجتماعی ($P < 0/01$) و باروری زنان رابطه وجود دارد. همچنین در نتایج رگرسیون مشاهده شد، منزلت اجتماعی ۵۸ درصد، عدالت محیطی ۶۱ درصد و رفاه اجتماعی ۷۶ درصد توانسته‌اند بر باروری تأثیر گذارند. با توجه به t محاسبه شده بین نگرش دو نسل از زنان شاغل در شهر تهران نسبت به منزلت اجتماعی و عدالت محیطی با باروری تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، نگرش، باروری، زنان شاغل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

از مهم‌ترین مقوله‌های علم جمعیت شناسی مطالعه باروری^۱ است. باروری یکی از رویدادهای طبیعی جمعیت و از عناصر مهم رشد جمعیت است. باروری به عنوان یک رفتار اجتماعی در محیط و بستر اجتماعی-فرهنگی خاص حادث می‌شود و تنظیمات نهادی و روابط اجتماعی اعضای جامعه می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار باروری را تنظیم کند. در مطالعات جمعیتی، باروری جایگاه بخصوصی دارد، نقش باروری به‌عنوان مهمترین پدیده تعیین کننده نوسانات جمعیتی سبب شده است که مطالعات مربوط به آن نسبت به سایر پدیده‌های جمعیتی از اهمیت فراوانی برخوردار باشد و بررسی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن سهم بزرگی از پژوهش‌های جمعیتی را به خود اختصاص دهد (Aghaa, 1985: 10).

تحولات جمعیتی همواره یکی از مشکلات جمعیت شناسان بوده است. کاهش و افزایش جمعیت ارتباط مستقیم با سطح باروری در یک جامعه دارد. بدون شک در عصر حاضر با تغییر یافتن عقاید و نگرش افراد به مسئله باروری، میزان باروری کاهش یافته است. تفاوت نگرش‌های دو نسل نسبت به باروری علاوه بر ایجاد شکاف و فاصله بین نسل‌ها، نه تنها موجب تفاوت فلسفه و شیوه زندگی هر نسل می‌شود، بلکه در آینده کاهش نسل جوان را نیز به دنبال خواهد داشت. در گذشته، جوامع کمتر در معرض تغییر قرار داشتند، از این رو تمایزات و تفاوت‌های نگرشی نیز کمتر بود و پسران همانند پدران و دختران همانند مادران فکر و رفتار می‌کردند؛ اما امروزه، افکار نسل جوان با مادران خود تفاوت‌های زیادی یافته است و تفاوت میان نسل‌ها آنچنان عمیق شده که زمینه مهمی را برای شکاف‌های اجتماعی در درون جوامع فراهم آورده است. در دوره تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، جامعه شاهد بیشترین واگرایی و انشعاب بین نسل‌هاست و موضوع تفاوت‌های بین‌نسلی اهمیت ویژه‌ای یافته است. رایج‌ترین مفهوم بکار رفته درباره اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. پلاتو (۲۰۰۷) بر این موضوع اشاره دارد که نسل‌های جوان‌تر با پذیرش عقاید و ارزش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای را در شکل دادن به تغییرات اجتماعی دارند و حال آنکه، نسل‌های قدیمی‌تر با پای‌بندی بیشتر به عقاید و ارزش‌های سنتی جامعه، در برابر تغییرات سریع، مقاومت نشان می‌دهند. به همین خاطر، ارزش‌های خانواده حتی در مواجهه با تغییرات پرشتاب اجتماعی - جمعیتی نیز گرایش به تغییر تدریجی دارند (Abbasi Shavazi, 2004: 23).

1- fertility

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی . . .

همچنین با توجه به افزایش سطح تحصیلات زنان و مشارکت^۱ آنان در عرصه های مختلف و کسب منزلت اجتماعی در جامعه، خود منزلت اجتماعی به منزله عاملی محسوب می شود که در بین دو نسل منجر به تفاوت در نگرش زنان نسبت به باروری می شود.

منزلت اجتماعی به پایگاهی اجتماعی اطلاق می شود که فرد در میان گروه دارد. منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام یا پرستیژ پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت ها تعریف کرده اند. منزلت، بازتاب دهنده عواملی هم چون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی های مشابه است که دستیابی به آن ها یا از دست دادنشان سخت تر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است (Melvin, 2004: 45).

آمارها نشان می دهد، متعاقب دیر ازدواج نمودن، کاهش باروری و تمایل به نداشتن فرزند نیز یکی از مهمترین مسائلی است که شکاف عمیقی بین دو نسل از زنان بوجود آورده است. با افزایش عواملی چون سن ازدواج، میزان تحصیلات و درآمد خانواده، فواید ناشی از داشتن فرزند کاهش می یابد. گرایش به تأمین رفاه مادی و توجه به کیفیت و سطح زندگی فرزند، هزینه های ناشی از داشتن فرزند را افزایش می دهد. نظریه ایده آلیسم توسعه، مجموعه ای از ایده ها و نگرش ها، ایده آل هایی را ایجاد می کند که موجب تغییراتی در نگرش ها و رفتارهای افراد می شود. هر کجا که عناصری از ایده آلیسم توسعه را پذیرفته و به سمت آن متمایل گشته اند، تغییراتی در رفتارهای مرتبط با تشکیل خانواده و باروری دیده شده است و تغییراتی نظیر افزایش استفاده از وسایل پیشگیری، پذیرش خانواده های کوچکتر، افزایش سن ازدواج، برابری جنسیتی بیشتر را باعث شده است. در مناطقی که در برابر ایده آلیسم توسعه مقاومت کرده الگوها و اشکال سنتی از خانواده و رفتارهای باروری دیده می شود (Razighi, 2014: 12).

از این رو تغییر ایده آل ها رفتار باروری را در خانواده ها تغییر داده است. زندگی شهرنشینی بر رفتار باروری جوانان تاثیر گذاشته و ایده آل های آنان را متفاوت با الگوهای گذشته نموده است. زنان شاغل علاوه بر دارا بودن وظایف کاری مانند همه زنان، باید به امر فرزندآوری و نگهداری و پرورش فرزند نیز بپردازند. از این رو با وجود همه گرفتاری ها و مشکلات روزمره امکان فرزندآوری برای آنان بسیار مشکل خواهد بود. موضوع اشتغال زنان و تأثیر آن بر خانواده، یکی از مهمترین مسائلی است که علی رغم اهمیت فوق العاده آن، تاکنون مورد توجه موشکافانه قرار نگرفته است. بدین ترتیب گرچه حضور فعال، زایش و باروری زنان به آنان نقش مادری و همسررداری را محول می کند اما در دهه های اخیر مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی-اقتصادی شکل جدی تری به خود گرفته است.

1- participation

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ سیاست‌های کلی «جمعیت» را که براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، ابلاغ کردند: با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی؛ و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز؛ و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود. سیاست‌های جمعیت در رابطه با باروری و فرزندآوری به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی.
 - ۲- رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.
 - ۳- اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران بویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌های هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط.
 - ۴- تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزند پروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری (<http://farsi.khamenei.ir>).
- در حرکت جامعه سنتی به مدرنیته و تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، نگرش افراد نسبت به باروری و فرزندآوری نیز تغییر اساسی پیدا کرده است. فردگرایی و محدود بودن افراد خانواده به دو یا سه نفر رواج یافته است، از این رو تفاوت‌های مهمی در نگرش افراد به ویژه زنان نسبت به باروری، نوع خانواده و زندگی در بین دو نسل از زنان بوجود آمده است. در این بین، بررسی عوامل کم شدن انگیزه فرزندآوری در بین نسل جوان نیز می‌تواند ارائه دهنده راهکارهای مناسب باشد، از این رو با توجه به میزان کاهش باروری در بین نسل جوان و کم شدن انگیزه بچه دار شدن، ریشه‌یابی این عوامل حائز اهمیت بوده و انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد.

این پژوهش با هدف کلی "مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی موثر بر باروری" انجام پذیرفت. و اهداف جزئی به شرح زیر مورد توجه قرار گرفتند:

- ۱- شناخت تأثیر منزلت اجتماعی بر باروری زنان شاغل.
- ۲- شناخت تأثیر عدالت محیطی بر باروری زنان شاغل.

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی . . .

۳- شناخت تاثیر رفاه اجتماعی بر باروری زنان شاغل .

۴- بررسی تفاوت نگرش دو نسل از زنان ۴۹-۴۰ و ۲۹-۲۰ ساله نسبت به عوامل اجتماعی موثر بر باروری

۵- دست یابی به راهکارهایی جهت افزایش فرزندآوری زنان شاغل در شهر تهران.

پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج کشور به موضوع باروری اختصاص یافته است که با رعایت اقتصاد مکانی مقاله و دسترسی به منابع معتبر به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود: آقایی (۱۳۹۳) در تحقیقی به «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری در میان زنان شاغل شهرستان کرج (ناحیه ۳ آموزش و پرورش) سال ۱۳۹۳» پرداخته است. نتایج نشان داده است، بین متغیرهای تحصیلات، آگاهی از وسایل بارداری و باروری رابطه منفی و معکوس وجود دارد و بین متغیرهای درآمد، شغل همسران زنان، عمر ازدواج، ثروت خانواده و باروری رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

حاج حیدری (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی نقش جنسیت فرزند اول در تمایل زنان ۴۰-۲۰ ساله به داشتن فرزندهای بعدی در شهر تهران در سال ۱۳۹۲» پرداخته است. در بررسی فرضیه‌های تحقیق دریافت شد که بین متغیرهای جنسیت فرزند اول، تحصیلات، وضعیت اشتغال زنان، آگاهی از وسایل بارداری و سقط جنین، با تمایل به باروری بعدی رابطه منفی و معکوس بدست آمد. بین متغیرهای تمایل همسر زنان برای داشتن فرزند از دو جنس، اهمیت داشتن فرزند پسر و دختر در خانواده، درآمد و تمایل به باروری بعدی رابطه مثبت و مستقیم بدست آمد. همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق زنانی که تمایل به باروری بعدی داشتند، خواهان فرزند پسر بودند.

تبریزی (۱۳۹۲) در تحقیقی به «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری در میان زنان شاغل منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران» پرداخته است، نتایج نشان داده است، بین متغیرهای سن، تحصیلات همسر، سن مناسب برای ازدواج، شغل همسر، ترجیح جنسی رابطه معنادار و مثبت و مستقیم به دست آمد. بین متغیرهای تحصیلات زن، نوع شغل، هزینه خانوار و تشویق‌های دولتی و باروری رابطه منفی و معکوس بدست آمد.

محمودی (۱۳۹۲) به بررسی «تغییر نگرش در قشر مرفه و تحصیلکرده تنها شرط فرزندآوری» پرداخته است. وی بیان کرده است که افزایش ۳ برابری سالمندان نسبت به افراد صفر تا ۱۵ سال جمعیت ایران را با سالخوردگی مواجه خواهد کرد. از این رو لازم است تا بین قشر تحصیلکرده و مرفه فرزندآوری بیشتر شود و تحصیل را مانع فرزندآوری دانسته است.

فروغی (۱۳۹۲) در تحقیقی به «بررسی مقایسه‌ای نگرش به باروری در میان آموزگاران و زنان خانه دار نسبت به فرزندآوری در شهر تهران» پرداخته است. نتایج نشان داده است که بین نگرش آموزگاران و

زنان خانه دار نسبت به فرزندآوری تفاوت معنادار وجود ندارد و اکثر زنان تمایل به داشتن یک فرزند دارند.

ایزدی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری در شهر یزد پرداخته است و در نتایج خود چنین نشان داده است که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کاهش باروری بین جوانان داشته است.

دل پسند (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه ارزش فرزند از دیدگاه زوجین نابارور در مواجهه با مسائل اقتصادی و اجتماعی»، که به روش پیمایشی انجام داده است چنین نتیجه گیری نموده است: درآمد، اشتغال زنان، هزینه های سنگین و مسکن از عوامل مؤثر بر ارزش فرزند در بین زوجین گشته است.

بدیعی (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان در رابطه با باروری و تنظیم خانواده مراکز بهداشتی شهر تهران»، که به روش پیمایشی انجام داده است، چنین نتیجه گیری نموده است: که جامعه مورد مطالعه زنان و مردان به طور یکسان فرزند را ارزش گذاری می نمایند. و تنها در یک مورد که مربوط به گزینه‌ی وجود فرزند موجب کاهش حضور مادر در جامعه می شود، در بقیه موارد یکسان ارزش گذاری می کنند. در مورد میزان تحصیلات، میزان درآمد، نگرش زوجین نسبت به ترجیح جنسی و هزینه ناشی از فرزند یا تعداد مطلوب نیز جز در مورد نگرش زوجین نسبت به کیفیت فرزندان با تعداد فرزندان رابطه معکوس دارد و این فرضیه پذیرفته می شود. با توجه به اینکه یکی از دلایل داشتن فرزند مطلوب توجه به کیفیت فرزندان است، زیرا فرزند زیاد موجب می شود که انسان نتواند به دیگر فرزندان توجه کند.

عباسی شوازی (۱۳۸۱) در تحقیقی به «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روشهای کیفی» پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که در حال حاضر نگرش و رفتار باروری در همه گروه های سنی به هم نزدیک شده است و تفاوت قابل توجهی بین گروه های مختلف اجتماعی از جمله زنان روستایی و شهری و باسواد و بی سواد وجود ندارد. به عبارتی، تحقیق حاضر هم گرایی رفتارهای باروری در جامعه مورد مطالعه را تأیید می کند.

ویلیامسون^۱ (۲۰۰۹) در تحقیقی به «بررسی علل کاهش انگیزه های باروری در بین زنان و مردان» در نمونه آماری ۲۰۰ نفر (۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن) پرداخته است. نتایج حاکی از این بود که مشکلات اقتصادی، مدرن شدن زندگی ها و ازدیاد خواسته های زوجین، سهولت طلاق از عوامل تأثیرگذار بر کاهش باروری و بچه دار شدن است. کلارنر (۲۰۰۹) در مطالعه ای تحت عنوان شبکه های اجتماعی مرتبط با باروری، ترکیب، ساختار و معنای روابط فردی برای تمایلات باروری، با استفاده از رویکرد روش شناختی کیفی در پی شناخت مسیرها و مکانیزم های تأثیرگذاری اجتماعی بر

1- Williamson

تصمیم گیری باروری افراد است. رابرتسون^۱(۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی علل کاهش باروری در بین زوجین جوان پرداخته است. در این مطالعه با نظرسنجی به وسیله پرسشنامه از ۱۰۰ نفر نمونه پژوهش، چنین نتیجه شد که اشتغال یکی از مهمترین عللی است که مانع از بچه‌دار شدن می‌شود و ماشینی شدن زندگی‌ها و سرد شدن روابط خانوادگی از دیگر علل تأثیرگذار محسوب می‌شود. با دقت در پژوهش‌ها هر یک به بررسی بخشی از عوامل مؤثر بر باروری و فرزندآوری پرداخته اند و نوعی کاهش گرایی در آنها دیده می‌شود؛ اما این پژوهش با بررسی مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری، تلاش می‌کند از کاهش گرایی دوری کند. همچنین هیچ یک از پژوهشها به مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به باروری نپرداخته اند لذا تلاش عمده این پژوهش، پر کردن این خلأ پژوهشی است.

با توجه به اینکه طرح چارچوب نظری می‌تواند از میان نظریه‌ها و پژوهش‌های موجود با توجه به موضوع پژوهش انتخاب شود، لذا برای چارچوب نظری در این پژوهش از لیبنشتاین^۲، ایسترلین^۳، دمونت^۴، دیویس^۵ و کالدول^۶ استفاده می‌شود.

لیبنشتاین معتقد است که منفعت و یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. از این رو ایجاد نوعی تعادل بین رضامندی اقتصادی، هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی نگرش مردم در مورد تعداد فرزندان را تشکیل می‌دهد. براساس تئوری لیبن اشتاین سه نوع منفعت و دو نوع هزینه در مورد فرزندان وجود دارد (Harrison, 2002: 148).

نرخ رشد جمعیت تابعی از سطح درآمدهای سرانه، منفعت و یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که موجب تصمیم به فرزند آوری است. تا مدتها تصور بر این بود که با بالا رفتن درآمد باروری پائین تر می‌آید، ولی چون درآمد بالا با سطح سواد بیشتر، مرگ و میر کودکان کمتر، اشتغال بیشتر زنان و هزینه بیشتر فرزندان همراه است در حقیقت آن متغیرها، باروری را پائین می‌آورد و چون آن متغیرها با متغیر درآمد با یکدیگر همراه هستند تصور می‌شود درآمد بالا باروری را پائین می‌آورد. اما حقیقت این است که بهبود وضعیت اقتصادی در درازمدت موجب کاهش باروری می‌شود. البته در کوتاه مدت ممکن است به طور مقطعی باروری را افزایش دهد. تا حدودی بهبود وضعیت اقتصادی باروری را کاهش می‌دهد، اما بعد از آن بیشتر خانواده‌ها به این فکر می‌افتند که

-
- 1-Rabertson
 - 2 -Leibenstion
 - 3-Esterlin
 - 4-Demont
 - 5- Davis
 - 6-Kaldwell

اموال و دارائی‌های خود را به دست فرزندان خود بسپارند و بنابراین باروری تا حدودی افزایش می‌یابد (Farzaneh, 2004: 84).

۲- ایسترلین نظریه خود را با انتقاد از تئوری‌های اقتصادی باروری عرضه می‌کند، در واقع این تئوری دارای متغیر وابسته نهایی به نام «فرزندان متولد شده زنده» است که یک زوج در طول مدت زندگی مشترک زناشویی خود به دنیا می‌آورند و این متغیر نیز خود تحت تأثیر متغیرهای دیگر به شرح زیر می‌باشد: تقاضا برای فرزند: عواملی نظیر میزان درآمد، هزینه، منافع، سلیقه‌ها و علائق خانواده تقاضا برای فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین چنین تقاضاهایی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی موثر بر انتخاب و برتری‌های خانوار در مورد داشتن فرزند تأثیر می‌پذیرد. ظرفیت تولید فرزند عبارت است از تعداد کل فرزندان که زوجین می‌توانند در طول مدت زناشویی بدون استفاده از روش‌های پیشگیری داشته باشند که البته این ظرفیت، تحت تأثیر عوامل زیستی و فرهنگی قرار دارد (Amirmoradi, 2014: 32).

۳- تئوری ارتقای اجتماعی توسط دمونت فیلسوف فرانسوی بیان شده است. او اعتقاد دارد که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزند بیشتر، امکان ارتقا منزلت اجتماعی و ترقی در رده‌های اجتماعی بیشتر باشد، (همانند بسیاری از جوامع توسعه نیافته مبتنی بر کشاورزی) خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند. خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو دارا می‌باشد به فرزندآوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث تحرک صعودی خانواده شود آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خانواده بدانند آن را به طرق مختلف مهار می‌نمایند (Same source: 32).

۴- نظریه تئوری تغییر و پاسخ توسط دیویس با الهام از افکار دمونت در سال ۱۹۶۳ مطرح شد. این نظریه کاهش میزان باروری در کشورهای غربی را پاسخی به کاهش میزان مرگ و میر در آن کشورها می‌داند. از این رو مردم اروپای غربی با استفاده از وسایل پیشگیری و نیز ازدواج در سنین بالاتر، به تحدید خانواده مبادرت کردند، زیرا امکان ارتقاء اجتماعی برای خانواده‌های پرجمعیت بسیار محدود بود. اما در کشورهای در حال توسعه تغییر و کاهش سطح مرگ و میر چنین پاسخ مشابهی را به دنبال نداشت. تراکم جمعیت در مناطق روستائی که از بهبود اوضاع بهداشتی و در نتیجه کاهش مرگ و میر اطفال و نرخ رشد موالید ناشی می‌شد باعث گردید که اضافه جمعیت مناطق روستائی جهت یافتن شغل به مناطق شهری روی آورند و بدون آنکه تغییری در الگوی باروری خود ایجاد کنند و آن را به مناطق شهری نیز اشاعه دهند (Hajahidari, 2013: 34).

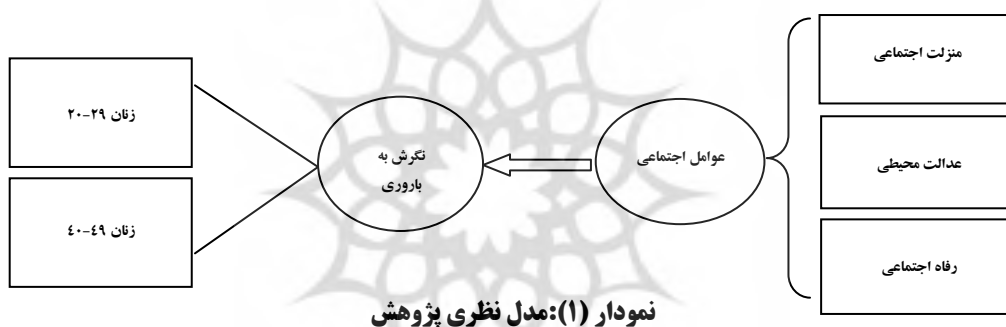
۵- تئوری جریان ثروت بین نسلی کالدول، رابطه مستقیمی را بین ساختار خانواده و باروری متصور می‌شود. بر اساس این تئوری، دو شکل اصلی از نوع خانواده وجود دارد که بر پایه نحوه جریان ثروت بین

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی ...

نسل‌ها از یکدیگر متمایز می‌شود. در جوامع ابتدایی و سنتی، مسیر جریان ثروت از جوانان به نسل‌های گذشته است یعنی جریان از پایین به بالاست. در این نوع جوامع تعلقات فردی در تسخیر تعلقات عمومی قرار دارند. در جوامع توسعه یافته ساختار خانواده اینگونه سازمان بندی شده که جریان‌های ثروت از بالا به پایین است به گونه ای که از والدین انتظار می رود رفاه اقتصادی فرزندان را تامین نمایند. فرض اصلی این تئوری این است که تصمیمات باروری در تمامی جوامع تحت تاثیر عقلانیت اقتصادی شکل گرفته بر اساس جریان ثروت بین نسل هاست. در جوامعی که جریان ثروت از پایین به بالاست، عقلانیت اقتصادی اینگونه عمل می کند که تعداد فرزندان که زنده می مانند بیشتر باشد زیرا که به افزایش ثروت خانواده کمک می کنند و نیز امنیت خاطر را برای والدین در زمان سالمندی فراهم می نمایند از طرفی رفاه اجتماعی و سیاسی را نیز به همراه دارند. اما در جوامعی که جریان ثروت از بالا به پایین است عقلانیت اقتصادی خانواده هایی را پیشنهاد می کند که بدون فرزند باشند یا اینکه تعداد آنها به اندازه ای باشد که وضع روانی خوشایندی را برای فرزندان و والدین فراهم نماید. بنابراین بر اساس این تئوری، انتقال جهانی از باروری بالا به باروری پایین نتیجه تغییر در ساختار خانواده است که این تغییر نیز با توجه به جریان‌های ثروت بین نسل‌ها شکل می‌گیرد. تغییر در ساختار خانواده دلالت بر گسترش ارزش‌های جدیدی است که به موفقیت و رضایتمندی فرد اهمیت بالایی داده است. ارزش‌های جدید از تحصیل کرده‌های طبقه متوسط کشورهای غربی نشأت گرفته و به عنوان ارزش از طریق رسانه‌های جمعی و آموزش به کشورهایی در حال توسعه نیز منتقل شده است. درضمن مطالب آموزشی و نیز انتظارات مدارس، نظام ارزشی فردگرایانه ای است که جریان های ثروت بین نسلی از بالا به پایین را بوجود می آورد. از طرفی بازار کار نیز با ارزشهای فردگرایانه سازگار شده است که از لحاظ اقتصادی با جوامع قبل از انتقال متناقض است بعبارتی افراد به جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزش‌ها و نیازهای فردی خود اهمیت می دهند. انتقال از ساختار خانواده سنتی به مدرن زمانی اتفاق می‌افتد که بخش عظیمی از جمعیت به ارزش‌های جدید مربوط به باروری پایین پاسخ مثبت دهند. فراهم نمودن امکانات جهت دستیابی توده به آموزش همگانی، می تواند به انتقال باروری سرعت بیشتری می دهد. کالدول عنوان می‌کند که در نسخه کلاسیک انتقال جمعیت، عامل اصلی کاهش باروری، مدرنیزاسیون اقتصادی است ولی این تبیین با واقعیت منطبق نیست. از این رو برای تبیین کاهش باروری مفهوم غربی شدن را مطرح و آن را از مدرنیزاسیون جدا می کند. به نظر کالدول غربی شدن، دربرگیرنده ایده پیشرفت سکولاریزم، آموزش عمومی، هسته ای شدن عاطفی و اقتصادی خانواده، سلطه بر محیط و تنظیم خانواده است و استدلال می کند که ایده فرهنگی خانواده هسته‌ای، عامل معکوس شدن جریان انتقال ثروت است (Izadi, 2011:19).

نظریه های استفاده شده نظریه پردازان دربخش چارچوب نظری به شرح ذیل می باشد: برای متغیر منزلت اجتماعی از نظریه دمونت استفاده شد که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت

اجتماعی والدین دارد؛ برای متغیر عدالت محیطی از نظریه دیویس استفاده شد که در آن اضافه جمعیت مناطق روستایی جهت یافتن شغل به مناطق شهری روی می آورند و بدون آنکه تغییری در الگوی باروری خود ایجاد کنند آن را به مناطق شهری اشاعه می دهند؛ متغیر رفاه اجتماعی با نظریه کالدول مطرح شد که در آن کاهش باروری را در جریان ثروت از نسل‌های سالمندتر به کودکان می‌داند، علت این امر ظهور و جایگزینی تفکر فرهنگی خانواده هسته‌ای به جای خانواده گسترده می باشد که در آن رفاه اجتماعی بیشتری در خانواده تحقق یابد و برای متغیر باروری از نظریه ایسترلین بهره گرفته شد که در آن هرگاه ظرفیت تولید کمتر از تقاضا باشد به معنای این است که والدین برای تولید فرزندان اضافی دارای انگیزه می شوند و نیز هرگاه ظرفیت تولید بیشتر از تقاضا باشد در واقع دچار محدودیت می شوند و لذا جهت جلوگیری از تولید فرزندان ناخواسته، انگیزه‌دار شده و میل به باروری کاهش می یابد.



با توجه به مدل نظری، فرضیه های پژوهش به شرح زیر مطرح می شوند:

- ۱- به نظر می رسد منزلت اجتماعی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.
- ۲- به نظر می رسد عدالت محیطی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.
- ۳- به نظر می رسد رفاه اجتماعی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.
- ۴- به نظر می رسد تفاوت معنی‌داری در نگرش دو نسل از زنان شاغل ۲۰-۲۹ و ۴۰-۴۹ ساله نسبت به عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری وجود دارد.
- ۵- به نظر می رسد متغیرهای زمینه‌ای (سن، سن همسر، تعداد مطلوب فرزند، بعدخانوار، درآمد، ثروت خانواده، وضعیت سکونت و محل تولد) بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.

ابزار و روش

در این پژوهش برای بررسی "مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری" از روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی- تبیینی و نیز در بخش‌های

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی . . .

نظری تحقیق، جهت مبانی نظری و پیشینه پژوهش و تدوین چارچوب نظری از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. با توجه به اینکه در یک مقطع زمانی به جامعه مورد مطالعه مراجعه شد لذا طرح پژوهش مطالعه مقطعی می‌باشد. جمعیت یا جامعه آماری مجموعه ای از واحدهاست که در چیز یا چیزهایی مشترک باشند (Serai, 2010: 5). جامعه آماری این پژوهش شامل زنان ۲۹-۲۰ ساله و ۴۹-۴۰ ساله شاغل در شهر تهران در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵ (۲۴۰۳۴۲) است. حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران^۱ محاسبه گردید و حجم نمونه به دست آمده ۴۰۰ است. روش نمونه‌گیری نیز تلفیقی از نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده است.

$$n = \frac{t^2 Pq}{d^2 \left(1 + \frac{t^2 pq}{d^2} \right)} = \frac{399^2 / 337}{240342} = 400$$

تکنیک یا ابزار اصلی این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته و تکنیک تکمیلی مصاحبه و مشاهده است. جهت شناسایی اعتبار^۲ شاخص‌های پرسشنامه از اعتبار محتوایی صوری استفاده شد و پرسشنامه طراحی شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه شناسی و جمعیت شناسی داده شد و وفاق آنها در مورد شاخص‌ها، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه‌های مطرح، چارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار سازه ای است. همچنین جهت بررسی اعتماد^۳، پرسشنامه این پژوهش، تحت آزمون مقدماتی^۴ بر روی یک دهم حجم نمونه قرار گرفته است و آزمون آلفای کرونباخ انجام شد که آلفای به دست آمده ۰/۸۲ است بنابراین گویه‌های طراحی شده دارای اعتماد - انسجام درونی - است.

در ادامه به تعریف مفهومی (نظری) و عملیاتی متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود:

منزلت اجتماعی؛ به پایگاهی اجتماعی اطلاق می‌شود که فرد در میان گروه دارد. منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام یا پرستیژ پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت‌ها تعریف کرده‌اند. منزلت، بازتاب دهنده عواملی هم چون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی‌های مشابه است که دست یابی به آن‌ها یا از دست دادنشان سخت‌تر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است (Weber, 2003: 45). منظور از منزلت اجتماعی در این تحقیق ارزشی است که یک زوج با توجه به

-
- 1-Cochran
 - 2- Validity
 - 3- Reliability
 - 4-Pretest

موقعیت و نقش اجتماعی در یک جامعه دارا می باشند و از شأن، حیثیت و اعتبار خاصی برخوردار خواهند بود. در این تحقیق، با توجه به این که تحصیلات، شغل و درآمد به عنوان معیارهای طبقه اجتماعی هستند در عملیاتی کردن این متغیر سولاتی چون شغل و تحصیلات و درآمد خود فرد، همسر طرح شده است.

عدالت محیطی؛ برقراری شرایط عادلانه کاری، توزیع درآمد، توزیع برابر امکانات اقتصادی و اجتماعی در جهت رفع محرومیت افراد جامعه، عدالت محیطی می باشد (Bakhshodeh, 2006: 99). منظور از عدالت محیطی برقراری شرایط برابر کاری و زندگی زنان شاغل است.

رفاه اجتماعی؛ رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است (Karimi, 2011:45). منظور از رفاه اجتماعی در این تحقیق حفظ کرامت و استفاده از توانمندی‌های زنان شاغل است که با ۱۴ گزینه مورد سنجش واقع شد.

باروری؛ باروری مقیاسی است برای اندازه‌گیری قدرت تولید مثل که از آمار تعداد کودکان زنده به دنیا آمده بدست می‌آید. باروری واژه‌ای است که در جمعیت‌شناسی به معنای تعداد واقعی کودکان زنده به دنیا آمده بکار برده می‌شود (Polard, 2011:14). برای سنجش باروری از سولات باز و گویه‌های ۵ گزینه‌ای (تعداد فرزندان، تداوم بارداری، تمایل به داشتن فرزند دیگری و ...) استفاده شده است.

نگرش؛ نگرش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش تأثیر مستقیم و پویا بر جای می‌گذارد (Pasha Sharifi, 2002:413). در این پژوهش برای سنجش نگرش زنان شاغل نسبت به باروری و عوامل اجتماعی موثر بر آن، جهت‌گیری مثبت یا منفی آنها نسبت به باروری توسط گویه‌های ۵ گزینه‌ای سنجش شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ طبق نتایج بدست آمده بیشترین فراوانی ۸۶/۷ درصد در گروه سنی زنان ۲۵-۲۹ ساله و ۶۶/۱ درصد در گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله بوده است. ۶۷/۶ درصد زنان (۲۹-۲۰ سال) در سنین ۲۵-۲۷ سال ازدواج کرده و ۴۰/۷ درصد زنان (۴۹-۴۰ سال) در سنین ۲۱-۲۴ سالگی ازدواج کرده‌اند. در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی ۵۳/۴ درصد مربوط به فوق لیسانس و بالاتر و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی ۴۵/۳ درصد مربوط به کسانی بود که فوق لیسانس و بالاتر بودند. در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی ۸۲/۶ درصد مربوط به کسانی بود که در شهر تهران متولد شده، بین زنان ۴۰-۴۹ بیشترین فراوانی ۵۶/۶ درصد مربوط به کسانی بود که در شهر تهران متولد شده‌اند. در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی ۵۴/۶ درصد مربوط به زنانی بود که ۳ میلیون به بالا

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی . . .

درآمد داشته و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی ۶۳/۴ درصد مربوط به کسانی بود که ۳ میلیون به بالا درآمد داشتند. در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی ۷۶/۶ درصد متعلق به زوجین بدون فرزند بوده و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی ۵۳/۴ درصد مربوط به زوجینی بود که دارای ۱-۲ فرزند بودند. در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی ۵۰/۳ درصد متعلق به کسانی بود که معتقد بودند فاصله مطلوب بین فرزندان بیش از ۴ سال بوده و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی ۵۴ درصد متعلق به کسانی بود که معتقد بودند فاصله مطلوب بین فرزندان ۳ سال است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۸۲/۷ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان کم و خیلی کم معتقد بودند برای جور بودن فرزندان باید باروری تداوم داشته و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی (۳۳/۴ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان زیاد معتقد بودند برای جور بودن فرزندان باید باروری تداوم داشته باشد.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۸۸/۷ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۷۵/۳ درصد) ، متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم تقسیم کار در جامعه بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۷۵/۴ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر کمبود امکانات اقتصادی و اجتماعی برای زنان شاغل بوده و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی ۳۰ درصد متعلق به کسانی بود که به میزان نه کم و نه زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر کمبود امکانات اقتصادی و اجتماعی برای زنان شاغل بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۹۳/۴ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر مسئولیت سنگین در محیط کار و منزل بوده و در بین زنان ۴۰-۴۹ سال بیشترین فراوانی (۶۲ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر مسئولیت سنگین در محیط کار و منزل بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۸۳/۹ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۶۶/۷ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم داشتن رفاه اجتماعی بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۸۹/۴ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۸۲/۸ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم فرصت برای استفاده از توانمندی‌های زنان بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۹۲/۸ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم ارتقای و ثبات شغلی بوده و در بین زنان ۴۰-۴۹

سال بیشترین فراوانی (۳۶/۷ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان نه کم و نه زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم ارتقای و ثبات شغلی بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۹۶/۷ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۶۷/۲ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر بالاتر رفتن سطح تحصیلات زنان است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۸۹/۲ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۹۱ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر عدم حمایت مالی مسئولین بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۹۶ درصد) و نیز زنان ۴۰-۴۹ سال (۸۰/۲ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان خیلی زیاد و زیاد معتقد بودند کاهش فرزندآوری بر اثر محدودیت زنان در جامعه بوده است.

در بین زنان ۲۰-۲۹ سال بیشترین فراوانی (۷۸/۵ درصد) متعلق به کسانی بود که به میزان کم و خیلی کم تمایل به داشتن فرزند دیگری بودند و زنان ۴۰-۴۹ سال به دلیل بالا بودن سن خود، تمایل به فرزندآوری نداشتند.

یافته‌های تبیینی؛ فرضیه اول: به نظر می‌رسد منزلت اجتماعی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.

جدول ۱: نتایج آزمون ضریب همبستگی منزلت اجتماعی با باروری

منزلت اجتماعی	آماره	باروری
۰/۷۱۳	r	
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig.)	
۳۰۰	N	

با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۷۱۳ که در سطح ۹۹ درصد معنادار است ($P < ۰/۰۱$) رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است. هر چه منزلت اجتماعی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیشتر است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد عدالت محیطی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون ضریب همبستگی عدالت محیطی با باروری

عدالت محیطی	آماره	باروری
۰/۶۹۲	r	
۰/۰۰۳	سطح معناداری (Sig.)	
۳۰۰	N	

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی ...

با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۶۹۲ در سطح ۹۵ درصد معنادار ($P < ۰/۰۵$) رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است. هر چه عدالت محیطی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیشتر است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد، رفاه اجتماعی بر باروری زنان شاغل تأثیر معناداری دارد.

جدول (۳): نتایج آزمون ضریب همبستگی رفاه اجتماعی با باروری

آماره	رفاه اجتماعی
r	۰/۵۶۱
سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰
N	۳۰۰

با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۵۶۱ در سطح ۹۹ درصد معنادار ($P < ۰/۰۱$) رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است. هر چه رفاه اجتماعی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیش تر است.

آزمون رگرسیون متغیرهای تحقیق

جدول (۴): نتایج آزمون رگرسیون متغیرهای تحقیق

متغیر	R	r ²	F	Beta	t	Sig.
منزلت اجتماعی	۰/۷۶۵	۰/۵۸۶	۵۴۱/۷۴	۰/۸۴۴	۲۳/۲۷	۰/۰۰۰
عدالت محیطی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۴	۶۸/۶۳	۰/۵۰۴	۴۴/۶۷	۰/۰۰۰
رفاه اجتماعی	۰/۸۷۷	۰/۷۶۸	۳۶/۴۲۳	۰/۵۷۶	۳۵/۶۳	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که منزلت اجتماعی توانسته ۵۸ درصد بر باروری زنان شاغل تأثیر بگذارد. ضریب بتای استاندارد منزلت اجتماعی ۰/۸۴۴ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است و ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است ($P < ۰/۰۱$).

عدالت محیطی توانسته ۶۱ درصد بر باروری زنان شاغل تأثیر بگذارد. ضریب بتای استاندارد عدالت محیطی بر باروری ۰/۵۰۴ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است و ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است ($P < ۰/۰۱$).

رفاه اجتماعی توانسته ۷۶ درصد بر باروری زنان شاغل تأثیر بگذارد. ضریب بتای استاندارد رفاه اجتماعی بر باروری ۰/۵۷۶ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است و ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. ($P < ۰/۰۱$)

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در نگرش دو نسل از زنان شاغل ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله نسبت به عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری وجود دارد:
۱- بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل نسبت به رابطه منزلت اجتماعی با باروری تفاوت وجود دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون t مستقل در ارتباط با مقایسه منزلت اجتماعی با باروری در دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله

متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
منزلت اجتماعی	۴۰-۴۹ ساله	۲۰۰	۲/۵۰	۰/۵۲	۱/۲۹	۳۰۸	۰/۰۰۲
	۲۰-۲۹ ساله	۲۰۰	۲/۴۳	۰/۶۲			

یافته‌های جدول فوق بیانگر آن است که میانگین منزلت اجتماعی گروه زنان ۴۰-۴۹ ساله برابر با ۲/۵۰ و انحراف معیار ۰/۵۲ و گروه زنان ۲۰-۲۹ ساله دارای میانگین ۲/۴۳ و انحراف معیار ۰/۶۲ می‌باشند همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که t محاسبه شده ۱/۲۹ با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۹۵ درصد معنا دار می‌باشد ($P < 0/05$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل نسبت به رابطه منزلت اجتماعی با باروری تفاوت وجود دارد.

۲- بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل نسبت به رابطه عدالت محیطی با باروری تفاوت وجود دارد.

جدول (۶): نتایج آزمون t مستقل در ارتباط با مقایسه عدالت محیطی با باروری در دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله

متغیرها	زنان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
عدالت محیطی	۴۰-۴۹ ساله	۲۰۰	۲/۵۴	۱/۶۹	۴۴/۳۸	۳۰۸	۰/۰۰۰
	۲۰-۲۹ ساله	۲۰۰	۸/۰۳	۰/۴۲			

یافته‌های جدول فوق بیانگر آن است که میانگین عدالت محیطی زنان ۴۰-۴۹ ساله برابر با ۲/۵۴ و انحراف معیار ۱/۶۹ و زنان ۲۰-۲۹ ساله دارای میانگین ۸/۰۳ و انحراف معیار ۰/۴۲ می‌باشند همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که t محاسبه شده ۴۴/۳۸ با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۹۹ درصد معنا دار می‌باشد ($P < 0/01$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل نسبت به رابطه عدالت محیطی با باروری تفاوت وجود دارد.

۳- بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل نسبت به رابطه رفاه اجتماعی با باروری تفاوت وجود دارد.

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی ...

جدول (۴): نتایج آزمون t مستقل در ارتباط با مقایسه رفاه اجتماعی با باروری در دو نسل از زنان ۲۰-۳۰ و ۴۰-۵۰ ساله

متغیرها	زنان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
رفاه اجتماعی	۲۰-۲۹ ساله	۲۰۰	۵/۷۳	۲/۵۹	۰/۸۵	۳۰۸	۰/۲۱۶
	۴۰-۴۹ ساله	۲۰۰	۵/۷۵	۲/۵۵			

یافته‌های جدول فوق بیانگر آن است که میانگین رفاه اجتماعی زنان ۴۰-۴۹ ساله برابر با ۵/۷۳ و انحراف معیار ۲/۵۹ و زنان ۲۰-۲۹ ساله دارای میانگین ۵/۷۵ و انحراف معیار ۲/۵۵ می باشند همچنین یافته‌ها نشان می دهند که t محاسبه شده ۰/۸۵ با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۹۹ درصد معنا دار نیست ($P > ۰/۰۱$). بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین نگرش دو نسل از زنان ۴۰-۴۹ و ۲۰-۲۹ ساله شاغل در شهر تهران نسبت به رابطه رفاه اجتماعی با باروری تفاوت وجود ندارد. فرضیه پنجم: به نظر می رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، سن همسر، تعداد مطلوب فرزند، بعد خانوار، درآمد، ثروت خانواده، وضعیت سکونت و محل تولد) با باروری زنان شاغل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۸): رابطه متغیرهای زمینه‌ای با باروری دو نسل از زنان ۲۰-۲۹ و ۴۰-۴۹ ساله

متغیرها	ضریب اسپیرمن RS	سطح معناداری (sig)
سن	۰/۷۰۶	۰/۰۰۰
سن همسر	۰/۶۳۲	۰/۰۰۰
متغیرها	ضریب پیرسون RS	سطح معناداری (sig)
تعداد مطلوب فرزند	۰/۷۶۳	۰/۰۰۰
بعدخانوار	۰/۶۰۱	۰/۰۰۱
درآمد	۰/۷۵۹	۰/۰۰۱
ثروت خانواده	۰/۷۷۹	۰/۰۰۲
محل تولد	۰/۰۱۱	۰/۱۱۵

- با محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۷۰۶ و ($P < ۰/۰۱$) در سطح معنی داری ۹۹٪ بین سن زنان و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.

- با محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۶۳۲ و ($P < ۰/۰۱$) در سطح معنی داری ۹۹٪ بین سن همسر و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.

- با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۶۳ و ($P < ۰/۰۵$) در سطح معنی داری ۹۹٪ بین تعداد مطلوب فرزند و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.

- با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون ۰/۶۰۱ و ($P < ۰/۰۵$) در سطح معنی داری ۹۹٪ بین بعدخانوار و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.

- با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۵۹ و ($P < ۰/۰۱$) در سطح معنی داری ۹۹٪ بین درآمد و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.

- با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون $0/779$ ($P < 0/05$) در سطح معنی‌داری 95% بین ثروت خانواده (مجموع متغیرهای وضعیت محل سکونت، نوع خودرو، مساحت زیربنا) و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است.
- با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون $0/011$ ($P > 0/01$) بین محل تولد و باروری رابطه معناداری بدست نیامد.

بحث و نتیجه‌گیری

باروری رابطه مستقیمی با تحولات جمعیتی دارد، از این رو بسیار حائز اهمیت است و هر گونه عاملی که آن را تحت الشعاع قرار دهد و در افزایش یا کاهش آن تأثیر داشته باشد، برای جمعیت‌شناسان قابل تأمل است. امروزه با شاهد بودن بر کاهش باروری در بین زوجین تازه ازدواج کرده جمعیت جوان کشور در آینده رو به کاهش خواهد نهاد و این امر برای برقراری تعادل نیروی کار و جوان با سالخورده مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. در نتایج این تحقیق که به بررسی مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی موثر بر باروری پرداخت، در فرضیه اول رابطه بین متغیر منزلت اجتماعی و باروری مثبت و مستقیم است. هر چه منزلت اجتماعی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیشتر است. دمونت در نظریه ارتقای اجتماعی اعتقاد دارد که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزند بیشتر، امکان ارتقا منزلت اجتماعی و ترقی در رده‌های اجتماعی بیشتر باشد، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند بنابراین نتیجه حاصل از پژوهش با نظریه دمونت همسو می‌باشد.

در فرضیه دوم رابطه بین متغیر عدالت محیطی و باروری مثبت و مستقیم است. هر چه عدالت محیطی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیشتر است. برای متغیر عدالت محیطی از نظریه دیویس استفاده شد که در آن اضافه جمعیت مناطق روستایی جهت یافتن شغل به مناطق شهری روی می‌آورند و بدون آنکه تغییری در الگوی باروری خود ایجاد کنند آن را به مناطق شهری اشاعه می‌دهند. بنابراین نتیجه حاصل از پژوهش با نظریه دیویس هم راستا می‌باشد ضمن آنکه در صورت تحقق عدالت محیطی، امکان باروری افزایش می‌یابد.

نتیجه حاصل از فرضیه سوم نشان داد که هر چه رفاه اجتماعی بیشتر باشد، باروری در بین زنان بیشتر است که البته با نظریه کالدول درباره رفاه اجتماعی مغایر است که البته با توجه به هسته‌ای شدن خانواده‌ها و افزایش سطح نسبی رفاه، میزان باروری کاهش می‌یابد که با واقعیت جامعه امروز همخوانی دارد.

نتیجه فرضیه چهارم نشان داد که برخورداری زنان شاغل از هر کدام از این عوامل (همسانی و برابری منزلت اجتماعی، عدالت محیطی و عدم تبعیض بین زنان و مردان) می‌تواند بر نگرش آنان

مقایسه نگرش دو نسل از زنان شاغل شهر تهران نسبت به عوامل اجتماعی ...

نسبت به داشتن فرزند تأثیرگذار باشد. با توجه به تفاوت نگرش دو نسل از زنان، نوگرایی و تغییر شکل خانواده‌ها از سنتی به مدرنیته، زنان گروه ۲۹-۲۰ سال را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است، به گونه‌ای که آنان نسبت به فرزندآوری تمایل کمتری داشته و می‌توان از تئوری نوگرایی استفاده کرد که نوسازی محیط، یک نوع شیوه زندگی و فکری به وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده و آینده‌نگری و آمل و آرزوی به زندگی مرفه‌تری را در انسان تقویت می‌کند. یکی از اثرات نوگرایی میزان باروری کمتری است. لذا هر قدر میزان نوگرایی یک زن و شوهر بالا برود، احتمال دارد که آرزوی آنها برای بچه دار شدن کمتر شده و در نتیجه میزان باروری آنها کاهش یابد.

بررسی فرضیه پنجم نشان داد که متغیرهای سن، سن همسر، تعداد مطلوب فرزند، بعدخانوار، درآمد، ثروت خانواده با متغیر باروری رابطه دارد. بین سن زنان و باروری رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است. تبریزی (۱۳۹۲) معتقد است که بین متغیرهای سن، تحصیلات همسر، سن مناسب برای ازدواج، شغل همسر، ترجیح جنسی رابطه معنادار و مثبت و مستقیم وجود دارد و نتایج حاصله از پژوهش با پژوهش تبریزی هم راستا است. بین تعداد مطلوب فرزند و باروری رابطه معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج بدیعی (۱۳۸۶) همخوانی ندارد، وی بیان کرده است تعداد مطلوب فرزند با تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. اشتاین معتقد است که با بالا رفتن درآمد، باروری پائین‌تر می‌آید، ولی چون درآمد بالا با سطح سواد بیشتر، مرگ و میر کودکان کمتر، اشتغال بیشتر زنان و هزینه بیشتر فرزندان همراه است در حقیقت میزان باروری کاهش می‌یابد. در واقع بهبود وضعیت اقتصادی در درازمدت موجب کاهش باروری می‌شود. اما بعد از آن بیشتر خانواده‌ها به این فکر می‌افتند که اموال و دارائی‌های خود را به دست فرزندان خود بسپارند و بنابراین باروری تا حدودی افزایش می‌یابد. همچنین بین ثروت خانواده (مجموع متغیرهای وضعیت محل سکونت، نوع خودرو، مساحت زیربنا) و باروری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج بدست آمده با نتایج آقایی (۱۳۹۳) همخوانی دارد، چنانچه وی بیان کرده است بین متغیرهای درآمد، شغل همسران زنان، عمر ازدواج، ثروت خانواده و باروری رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بین محل تولد و باروری رابطه معناداری بدست نیامد. عباسی شوازی (۱۳۸۱) معتقد است نگرش و رفتار باروری در همه گروه‌های سنی به هم نزدیک شده است و تفاوت قابل توجهی بین گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله زنان روستایی و شهری و باسواد و بی‌سواد وجود ندارد. همگرایی رفتارهای باروری بین گروه‌های مختلف بوجود آمده است.

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، نقش مهمی در توسعه دارند لذا با افزایش سطح آگاهی خود در زمینه باروری، کنترل بیشتری بر رفتار باروری خود خواهند داشت و بالطبع رفتار بارورانه آگاهانه‌ای را درپیش خواهند گرفت که منجر به مدیریت بهتر خانواده خواهد شد. البته نقش زنان شاغل، با توجه به

- اینکه نیمی از روز را در منزل نیستند بنابراین افزایش سطح آگاهی در این زمینه، به اثرگذاری بهینه آنان در شغل شان منجر خواهد شد. در راستای یافته های تحقیق پیشنهادهای زیر مطرح شده است:
- ۱- افزایش آگاهی زنان شاغل نسبت به توانایی ها و ظرفیت های خود و کوشش در جهت اعتماد به نفس و اتکای به خود، در جهت شکوفایی استعدادهای ذاتی خویش
 - ۲- شرکت در کلاس های مهارت افزایی در زمینه خانواده و باروری
 - ۳- ایجاد تسهیلاتی در سازمان ها برای زنان چون: ایجاد انعطاف در ساعات کار (شناور کردن ساعات کار)، افزایش مدت مرخصی زایمان، کاهش ساعات موظف، ایجاد امکانات مناسب برای نگهداری فرزند (مهدکودک)
 - ۴- دادن مرخصی تحصیلی به زنان شاغل متأهل
 - ۵- با توجه به کاهش نرخ باروری و سالمند شدن جمعیت در دهه های آتی، لازم است حمایت های مادی و معنوی واقعی در زمینه باروری صورت گیرد تا شاهد افزایش نرخ باروری در جامعه باشیم.



References

- Abbasi Shavazi, M. J. (2004). Fertility Developments in Iran: Evidence from Four Selected Governorates, Tehran: Ministry of Health, Medical Education (Text in Persian).
- Aghaa, H. (1985). "Study of fertility in Iran and its relationship with socioeconomic indicators", Statistics Center of Iran, University of Mining, Shiraz (Text in Persian).
- Aghaei, M. (2014). The Study of Factors Affecting the Fertility Reduction Among Employed Women in Karaj (District 3 Education) in 1393. Master Theses, Islamic Azad University, Tehran Branch (Text in Persian).
- Amirmoradi, R. (2014). "Causes of fertility decline among the generations of the 1960s in Tehran" Master's dissertation, Tehran Azad University (Text in Persian).
- Badiei, Bahareh (2007), "The value of the child from the perspective of young couples in relation to fertility and family planning in health centers in Tehran". Master's dissertation, Azad university of Tehran central unit (Text in Persian).
- Bakhshodeh, Mohammad (2006). "The process of human development in Iran", Development and Productivity Monthly, No. 2, Autumn (Text in Persian).
- Delpasand, Majid (2010), "The study of the relationship between the value of the child from the perspective of infertile couples in the face of economic and social problems", Master's dissertation, Islamic Azad University, Tehran Center (Text in Persian).
- Farzaneh, Seifollah (2004). "The study of socio-demographic factors affecting fertility (in Yathrib city of Qaemshahr)", dissertation, University of Tehran, Faculty of Social Sciences (Text in Persian).
- Foroughi, Zahra (2013), "A Comparative Study on Attitude toward Fertility Among Teachers and Housewives on Childbirth in Tehran". Master's thesis, University of Tehran, Roodeen Branch (Text in Persian).
- Izadi, Ali (2011), "Factors Influencing Reducing Fertility in Yazd", Master's Theses, Islamic Azad University, Tehran South Branch (Text in Persian).
- Hajahidari, Safara (2013), "The role of the first child in the tendency of 20-40 year old women to have future children in Tehran in ۲۰۱۳" Master's dissertation, Tehran University (Text in Persian).
- Harrison, Paul (2002), "Inside the Third World", translated by: Juhad Wajidi, Tehran: Fatemi Publishing Institute (Text in Persian).
- Karimi, Mohsen (2011). Social Welfare, Tehran: Sadegh Publications (Text in Persian).
- Klarner S.(2009). "Social networks related to fertility, composition, structure and meaning of personal relationships to the desires fertility", Population and Development Review 12,pp 456-457.
- Mahmoudi, Mohammad Jawad (2013), "Change in attitudes in the affluent and educated stratum is the only condition for childbearing", Tehran: Center for Asian and Pacific Studies on Demography (Text in Persian).
- Melvin Tamin (2003), "Sociology of Stratification and Social Inequalities", translated by Abdolhossein Nikgaher, Tehran: Saamt (Text in Persian).
- Pasha Sharifi, Hasan (2002), "Psychometric Principles and Psychosis", Tehran: Growth (Text in Persian).
- Polard, JL, (2001), "Methods of Population Analysis", translated by Yousef Farghat, Shiraz: University Press. (Text in Persian).

- Rafipour , F. (1996). "explored and considered," the Tehran: Publishing Company (Text in Persian).
- Razighi Nasrabad, Hajia Bibi. (2014). "Theoretical Theories of Fertility", Technical Report (Text in Persian).
- Robertson, F. (2008). Investigate the causes of reduced fertility among young couples. Quarterly population.vol 17pp 64-70
- Serai, Hassan. (2010). "An Introduction to Sampling in Research", Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities, First Edition (Text in Persian).
- Tabrizi, Zahra. (2013). "Investigating the Social, Economic, and Cultural Factors Affecting the Teacher's Fertility in District ۲۲of Tehran" Master's Thesis, Islamic Azad University, Tehran Branch (Text in Persian).
- Williamson, D. (2009). Investigate the causes of reduced fertility in women and men's motives, Quarterly population.vol 20 pp 321.

